

در خدمت
جبهه
آزادیبخش
ملی ایران

بیماری برادران و خواهران رزمندگان خود در زندانها شاه بشتابیم!

در شماره قبل از توطئه عمانیک رژیم شاه علیه رفقای زندانی ما اعمال متکبرانه بر گرفته و در غین حال خاطر نشان کردیم که مقاومت و دلوری فرزندان بیرومند خلق در شقاوتگاههای قرون وسطایی شاه و شکست رژیم در تبدیل زندان به "تدامتگاه" موجب این وحشیگری رژیم و ابادی او گردیده است. اکنون ما در نامه های رفقای اسیر در زندانهای شیراز و تهران بطور مشروح از این توطئه پردر گرفته میشود و رژیم آوری برادران غیر مسا در سخت ترین شرایط فشار و اختیای بر همگان آشکار میگردد.

این نامه ها نشان میدهند که برداشت و نقطه نظر ما در این مسئله صحیح بوده و همان تئوریکه این رفقا از زندان شیراز نوشته اند " رژیم خشمگین از این مقاومت خیره کننده اختیای و فشار و حیثیاتی را در زندانها اعمال میکنند و هر روز فشار بیشتری برای درهم شکستن مقاومت فرزندان خلق وارد میکنند". در اینجا قصد نداریم اعمال خلاف انسانی را که رژیم ضد ملی و فاشیستی شاه نسبت بزندانیان سیاسی مرتکب میشود باز گوئیم. نامه ها و اخباری که اینروزها مرتباً از داخل زندانها میرسد و نمونه هایی از آنها در این شماره میخوانید خود شاهد گویائی هستند و دیگر احتیاجی به توضیح بیشتر ندارند. آنچه ما در این لحظه خود را موظف به تاکید آن میدانیم و وظیفه ایست که بعهده ما یعنی کسانی که در خارج زندان (چه در داخل و خارج ایران) هستند - گذاشته شده است. ما وظیفه داریم که افکار عمومی ایران و جهان را نسبت به حوادثی که در زندانهای ایران میگردد جلب نمائیم و آنها را آوارار کنیم که در این باره اقدام جدی نمایند. در سطح خارج از کشور باید سازمانهای بین المللی نظیر صلیب سرخ بین المللی و عفو بین المللی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و انجمن های حقوقدانان را آوارار ساخت که در این مسئله حیاتی دخالت جسدی کنند. این همان چیزی است که رفقای اسیر مسرا خواستار شده اند. آنها مینویسند: " زندانیان مانده در صفحه دوم

گزارش مشروح حمله کماندوهای پلیس در زندان شیراز و مقابله جانانه رفقای اسیر تا سر حد توان

نامه ای از زندان شیراز

باید تا بحال دانسته باشد که رژیم ایران در یکبار بستن شبکه های موحث به ایستاد بساقت دست یافته است. سوزان تا معجز استخوان و استعمال باتی، تجاوز به مرد و زن و کشیدن ناخن ها و تسلان و شوک الکتریکی و انواع جنایات باموری پیشیا افتاده تبدیل شده. تا بحال چندین نفر در زیر شکنجه جان سپرده اند.

مراجع صلیب سرخ بین المللی و کمیته های حقوق بشر و جمعیتها و انجمنهای آزادیخواه تا کنون نتوانسته اند قدم موثری در کافتن این جنایات بردارند. رژیم ایران هنوز با وقاحت خود را مدافع حقوق بشر می داند! تا امروز ده ها نامه و سند زنده در اثبات جنایات رژیم بدتیا عرضه شده. در اینجا میخواهیم آنچه را که گوئید از این رفتار جنایتکارانه رژیم بر ضد زندانیان سیاسی بشمار مسرود بساز گوئیم:

در زندان نوناز شیراز صد و سی و نه نفر (۱۳۹) زندانی سیاسی تبعیدی در شرایطی غیر قابل تحمل در اسارتند. در میان این عده از اعضای سازمان نظامی حزب توده که در سال سی و سه (۱۳۳۳) بازداشت شده اند تا آخرین اسرای جنبه مسلحانه انقلابی رسیده میشود. اکثریت زندانیان اعضای سازمانهای چریکی هستند که در دو سال اخیر با سارت در آمدن تانده ساختمان زندان شیراز قافله محوله آزاد و عوار و نور کافسی است. غذای زندانیان منحصر است به جیره رسمی که در هر مرحله از سلسله مراتب اداری کوشش از آن حبیب ماموران فاسد شهریاری میروند. در نتیجه سو تغذیه عده کثیری به بیماریهای دستگاه گوارش دچار شده اند.

زندانیانها هرگونه رابطه زندان ما خارج را قطع کرده اند. ملاقات با بستگان مدتی کوتاه در زیر گذر شدن در در فواصل اداری انجام میشود. کتاب و نشریات بجزم وارد زندان میشود و روزنامه ها در خوری داخلی از سانسور زندان میآید. با وجود این تفرقه شدید تر چند روز شمار ماموران مانده در صفحه دوم

غی دو سال اخیر زندانیان سازمان امنیت و شبیهاً در کون شده. سکون زندانها بر هم خورده و با بیای رشد جنبه انقلابی مسلحانه اسرای جنبه. عده آنان که قبلاً اسیر شده اند و وجه آنان که در دو سال اخیر با سارت در آمده اند با شور و فداکاری بیسابقه مبارزه بر ضد رژیم دست زده اند و در صفی متحد از آزادیهای انقلابی جنبه در پشت میله های زندان دفاع میکنند.

رژیم خشمگین از این مقاومت خیره کننده، اختیای و فشار و حیثیاتی را در زندانها اعمال میکند و هر روز فشار بیشتری برای درهم شکستن مقاومت فرزندان خلق وارد میآورد. در این دو سال بارها مامورین ساواک و اطلاعات شهریاری ناگهان بزندانیان هجوم برده و با شلاق و باتی و سوزنیزه بجان زندانیان افتادند. بارها راهروها و بند های زندانها تبدیل به صحنه برخورد های خونین شده ولی نتیجه همین این جنایات تحکیم وحدت نیروهای خلق و استوار شدن اراده مبارزان اسیر در دفاع از حقوق خلق بوده است.

تبعید های جمعیتی از حمله وسائل اعمال فشار بزندانیان سیاسی است. در سال ۵۱ عده های زندانی سیاسی بشهرستانها تبعید شدند. عده ای در گروه های دو سه نفری و بقیه در دسته های سی جبهه نفری بزندانیان شهرستانها اعزام شدند. عده کثیری در زندانهای شیراز و مشهد جمع شدند.

در شهرستانها هرگونه وسیله زندگی و حداقل شرایط برای ادامه حیات از زندانیان تبعیدی سلب شده. وضع تغذیه در این زندانها بسیار وخیم است. ملاقات زندانیان بندرت و آنهم در بدترین شرایط انجام میگردد. این شرایط نامساعد موجب چند دوره اعتصاب غذا در زندان مشهد شد. در شهریور سال ۵۱ یکی از این اعتصابها ۱۹ (نوزده) روز طول کشید و زندانیان در خطر مرگ قرار گرفتند. سرانجام زندانیان مشهد را در شهرها و دیگر بخشها کردند و بحال آنها زندانیان تازه از فرستادند که باز سرخوردند و از سر گرفته شدند.

در اینجا نمیشواییم از شبکه های رخنه های اویس و کمیته حرفه رژیم - همه دستا

حسه ساری برادران و خواهران

سیاسی ایران حسد دارند از مباحث
 - الشیخی نهضت. در حالت حسدی در
 ایران - در این باب حائز اعتبار برکنش
 اگر آزاد مباحث جهان امروز قسریاد اعتراض
 خود را بر سر حد این جنایات بلند نگفته
 بود در این دستگاه تاریخم و نژاد مردم
 ستمیده اسمران نسرمنده خواهند مسود .

ما خواستار اعتراف حیات های سازرسی
 بین المللی و افشاری وسیع از رژیم

حسانی اسمران همسبیم. ما در راه
 رهائی غنچه های خود یکبار زده اسم و پاسور
 نشینیم. نوکتر قدرتهای امپریالیستی است
 در آسوده ایست .

این مسئله است حسی ! رژیم میخواهد
 برادران و خواهران ما در زندانها نباشد کند . اینرا
 بد روشی رفتی اسیر ما در زندان و در غمگانه نشان
 خاشر نشان کرده اند که : " نهمبار جانماییان
 نوکتر امپریالیسم ایست : زندان را بنگاه گناه
 انقلابیونی تبدیل کنید " و بطور حسدی
 در این دستگاه تاریخی اسیر ما در زندان در چشم شاه
 و ابادی او و بهیچین جهت در نظر دارند " اسرائیلی
 را که نوبت محاکم نظامی اعدام نشده اند
 در اسارت گناه بدست در خمیان یکسند .

نماید که است در خمیان دست در هد فهای
 آدمکشانه خود موقوف ننهد . و غنچه حساس
 مهمی در مقابل ما قرار گرفته است و گوشه های
 خستگی ناپذیری لازم است تا با نجای و شفیقه
 خود ناشل نشویم .

از آنجائیکه مبارزات خانواد همای زندانیان سیاسی
 با وجود اختناک و تضیقات بیخاری که برویشان
 احداث میگردد . شکل تازه و تکامل یافته ای بخود گرفته
 است - تظاهرات چند ساعته خانوادها در جلوس
 مجلس شورای و سرچشمه و بازار این امر را ثابت میکند .
 حمایت توده های وسیع تری از مردم یعنی دانشجویان
 دانش آموزان ، فرهنگیان و سایر افشار روشنفکران و کارگران و
 بازاریان و سایر توده های شهری از این مبارزات ،
 متواتر این مبارزات را به جنبش بزرگی تبدیل نموده
 و مسئله را در سطح وسیعی از جامعه ما مطرح کند .

یاران در بنید ما با اتحاد و استقامت
 و دلیری خود در زندان ، در مقاومت و مبارزه
 و اعتماد به مساداده و در عین حال
 ثابت میگردد که تنها سرگ است که میتواند
 آنها را از ادامه مبارزه باز دارد ، و گمراه زندان
 خود صحنه دیگری از مبارزه علیه رژیم
 خائن خود گام و وابسته با امپریالیسم شاه است .

آنها با مبارزه دلیرانه پیوستگی رزمنده خود را برآه
 خلق و جنبش انقلابی با ثبات رسانده اند و
 اینست باز دیگر آنها را در پیام خود اعلام
 میگردانند .

ما در اینجا از پشت میله های زندان
 برآه خلق و جنبش انقلابی مسلحانه
 وفادار خواهیم ماند و علیه رژیم
 همه این جنایات بمبارزه خونین
 در راه رهائی و نجات ادامه خواهیم
 داد راه ما با خون آنگاز
 شده . با امواج خروشانسی
 از خون به بیخ مسود . ما
 اسیران در اسم که در ایس یکبار
 سر حسن و مردم آزاد جهان
 خلدیمان ما را تنها نخواهد
 گذاشت .

بقیه تظاهرات خانواده زندانیان

پس از مدتی یک سرهنگ شهریاری باقیاق عد ای
 پاسبان به زنان تظاهر کننده حمله کرده و گوشه
 متفرق کردن آنها متعمدند . سرهنگ نامبرده ابتدا شروع
 بداد و فریاد و خشونت نموده ولی وقتی در مقابل اراده
 مصمم مادران زندان ایستاد ، بخصوص زنان مسن بقرار میگردد
 از در نرسن پیش آمده و شروع به دلجویی از مادران کرده و
 از آنها " خواهش " میکند برای آنکه برای او مسئولیتی
 پیش نیاید ، متفرق شوند ، در اینجا خانواده ها متفرق
 میشوند و طبق ترتیبی که بین خود شان میدهند نیمی ساعت
 بعد در سرچشمه دوباره جمع میشوند و شروع به دادن
 شعار و گار توضیحی بین مردم و کسبه میدان سرچشمه
 میکنند و مورد استقبال مردم قرار میگردند . در اینوقت
 عد ای دانش آموزان در مساحت که از تظاهرات زنان بوجود
 آمده بودند صحن ابراز احساسات پشتیبانی از آنها ،
 آنها نزدیک شده و همسنگی خود را از مبارزه خانواد همای
 زندانیان سیاسی اعلام کردند . مادران شرایط بد زندان
 و رفتار وحشیانه مأمورین و اینکه چرا فرزندانشان زندان
 افتاده اند و هد فهای انسانی و استقلال طلبانه آنها
 را برای مردم بگونه سرچشمه شرح میکنند و همه جا از
 پشتیبانی مردم بهره مند میشوند . در این هنگام سرهنگ پلیس
 دوباره پیدا میشود و آنها را متفرق میکند .

در اینوقت چند تن از زنان پیشنهاد میکنند به
 دانشگاه بروند ولی عد ای استدلال میکند که چون
 دانشگاه تعطیل است و از طرفی دانشجویان پیوسته در
 صف اول مبارزه علیه بیداری رژیم و دفاع از منافع
 خلق بود مانند لذا بهتر است بازار برویم و در آنجا
 با فشارگری بیرون آیم . این پیشنهاد علی میشود و هنگام
 ظهر در سیزده میدان جمع میشوند و شروع به تظاهرات
 میکنند . عد ای از بازاریان آنها پیوسته و ابراز
 همدردی میکند که ناگهیبان پلیس به تظاهر کنندگان
 حمله کرده و از ورود آنها به بازار جلوگیری بعمل
 میسازد و پسران مدتی آنها را متفرق میسازد .

این تظاهرات که با برنامه و نظم خاصی در سه نقطه
 مختلف تهران در ساعات مختلف برگزار گردید نمودار
 اعتلای بسیاقت و قابل توجه روحیه مبارزه جوانان در زندان
 و دختران کمروما و رشد بی نظیر سازماندهی
 در آنهاست .

بقیه چگونگی فرار اشرف دهقانی

برادر و همسر مبارزش (حمید جلال زاده و رضاسمان)
 در زندان بسر میبردند . برای فرار اشرف حق تقدم قائل
 میشود . در ملاقات ایام نوروز برنامه فرار اجرا میشود .
 و رفیعی اشرف دهقانی موفق بفرار میگردد ولی دو تن
 دیگر نمیتوانند از زندان فرار خارج شوند . ناهید جلال
 زاده در محوطه زندان قصر شناخته شده و بازداشت
 میشود . بلافاصله رفتی زندانی را از زندان زنان بگمته
 (گمته مشترک ساواک - شهربانی برای مبارزه بسا
 انقلابیون) منتقل میکنند و در آنجا شگجه بسرای
 کشف مسیر اشرف و نحوه تدارک آغاز میشود . خواهر
 ناهید بنام نسود را همراه دیگر اعضای خانواده
 جلال زاده بازداشت میکنند و پسران آزاد می اعضای مسن
 خانواده ، او را همچنان در زندان نگهداری میکنند .
 خواهر و مادر اشرف نیز بزندان کشیده شدند ولی
 ضربه ایکه پلیس خورد جبران ناپذیر است .
 اکنون اشرف دهقانی بصف فدائیان خلق برگشته
 و بر ضد دشمن میجنگد . در زندان زنان نیز مانند
 سایر زندانها همه چیز حکایت از ادامه مبارزه میکند . در
 آنجا صرف جنبش یکبارچه و مستحکم شده است و هر
 روز استحکام بیشتری می یابد . اعضا و وابستگان
 سازمانهای چریکی می اعضا و وابستگان چریکهای
 سیاسی طرفدار جنبش مسلحانه و عد ای از زندانیان
 فدایی که برخی از آنها سابقا در زندان بسر میبردند ،
 در وقتا دروش هم با دشمن میجنگند .

بقیه توطئه مقامات . . . (نامه رفتی زندان قصر)

بامهای زندان ملو از پلیس و سرباز مسلح شده بود .
 ساجرا که از ساعت هشت صبح شروع شده بود تا ظهر
 باین منوال ادامه یافت . بالاخره فرماندهان پلیس اعلام
 مذاکره کردند . دو نفر از زندان شماره سه و سه نفر
 از زندان شماره ۴ طرف مذاکره بودند . مذاکره
 جمعاً چند ساعت طول کشید تا شرایط آتش بس تعیین
 شد و تضمین کافی برای جلوگیری از حمله انتظامی پلیس
 گرفته شد . پلیسها زندان شماره چهار را تخلیه کردند
 و جز دو سه تن پست های عادی زندان کسی در آنجا
 نماند . مجروحین که پیش از این بودند تحت درمان
 قرار گرفتند .

هنگامیکه ما به الحاقهایمان که قلا در اشتغال
 مباحثین بود وارد شدیم دیدیم که پلیس ناتوان از برابر ی
 با خود ما بجای اثاثه و لباس و اثاثیه ایمان افتاده است .
 بیش از هشت هزار تومان پول ضمن اون کمن را که متعلق
 به همه یکصد و هشتاد نفر ما بود ماموران درز پلیس
 بسرقت برده بودند . تمام کت و شلوارهای ما از هم بریده
 شده بودند . راد یوهای پست موم را که مجاز است ، خود
 کرده و زینت راها را گناهیها و هر چیز دیگر را که بد ششمان
 رسیده بود از حیز انتفاع انداخته بودند . جمع خسارات
 وارده بیش از بیست و چهار هزار تومان بود . افسران
 مهاجم که پول هارا بچیبت زده بودند منکر وجود هشت
 هزار تومان پول ما شدند . گویا اصولا در زندان ما پولی
 وجود نداشته است .

پلیس اثاثه ما را خرد کرد اما در زیر فشار اراده
 رفتی ما خرد شد و دست و دشن دیدند که جنبش
 انقلابی قضای تیره زندان هارا در کون ساخته و فرزندان
 خلق را به مبارزه بی امان در هر کجا ، در زندان و در
 آزادی فرا خوانده است .

بند چهارم زندان قصر - تیرماه ۱۳۵۴

بقیه اخبار و منگبرینا . منگوبتیا
 انقلابی فرار کردند عبارتند از : علی توسلی از
 رفتیای چریکیای فدایی خلقی که در سال ۱۳۵۰
 در دادگاه با اعدام محکوم شد و منگوبتیا و همراهان
 تن دیگر از رفتی فدایی به حبس ابد تبدیل شده
 تقسی شهمرام از برادران مجاهدین خلقی
 که به هشت سال زندان محکوم شده بود و حسین
 عزیزی از پیرونده " ستاره سرخ " بود و سه
 ده سال زندان محکوم شده بود .

مشعوب کلانتری پسران آنکه در اواخر سال گذشته
 از زندان بند رضاییه تهران منتقل شد ابتدا در زندان
 قول لعه و سین در زندان اوین محبوس گردید . از
 همان ابتدای انتقال به تبران شگجه و آزار این سباز
 دلیر آغاز شد . ملاقات با او دشن گردید و از هنگامیکه
 به زندان اوین منتقل شده حتی از گرفتن غذا و
 لباسی برای او خودداری میکنند . هیچکس نمیتواند بر سر
 او چه آورده و چه بیاورند ؟ او که همراه با گروه جزئی
 محاکمه و بد سه سال زندان محکوم شده ، بعلت شگجه هلی
 وحشیانه دوران بازجویی ، سلامت خود را از دست داد
 و به بیماری آسم و تنگی نفس مبتلی گردید . در طول این
 مدت زندانی بودن هیچگونه وسیله مسالجه در دسترسش
 نبود و با بسر بردن در زندان جنبی بند رضاییه بیاریش
 روز بروز وخیم تر شده و در حال حاضر با شگجه های مجدد
 وضعیت بطور جدی نگران کننده است .

بقیه شهادت و انقلابی دیگر

ایران فرور کرده و در این رهگذر برایش مد هبی ، مارکسیست ،
 فارس ، آذربایجانی ، کرد ، بلوچ ، خوزستانی ، گیلانی ،
 و خراسانی فرق ندارد . هر جا مقاومتی باشد و خطری
 رژیم منقطع و پیوسته فائزرا تهدید کند با سمیت آنها
 میگرد . بهمین دلیل برای چریکی بر این رژیم فاسد
 اتحاد رزمنده و انقلابی تمام نیروها و خلقهای ایران ضرورت
 حیاتی دارد و بهمین سبب است که طرف در سال اخیر
 این اتحاد در عرصه مبارزه مسلحانه در میدان نبرد
 و نه روی کاغذ - بوجود آمده و روز بروز زمینه مستتری برای
 تحقق پیوستن " جنبه آزاد بیختری ایران " از تمام
 نیروها فراهم میشود .
 گورامی بان خاطره تمام شهیدان جنبش نجاتبخش مردم ایران
 نرسنگ و نرفت بسر رژیم دست نشاندنه فاشیستی شاه
 پیروز بان مبارزه خلقهای ایران علیه رژیم شاه و امپریالیزم

خبرنامه

شهریانی بنام "بازرسی" بزندان مبرورند. ساعتی و مسائل خواب و بیداری را در هم ریخته و جستجو میکنند.

در ساعت ۱۱ روز ۱۶ (بیست و شش) فروردین ۱۳۵۲ ظاهراً بعنوان همین بازرسی بود که در حدود چند تن از بازجویان سازمان امنیت، رئیس اطلاعات شهریانی شیراز، سرگرد مسکری، رئیس زندان شیراز سرگرد شهریانی، رئیس ساوا، شیراز، معاونان ساوا، یعنی رؤسای و مینوری و رئیس ساوا، دانشگاه شیراز آرمان - بزندان محبوم آوردند. مهاجمین زندانیان را در سلول ها محبوس ساخته و بازرسی توأم با توهین آغاز شد.

بر خلاف همشما ما را محبوس کردند که سوابق تحت توپ مامورین و رؤسایان رکنه ترین فحشها را بر زبان مآوردند. این رفتار تجاوز آمیز از جانب رفقای ما تحت نظر موجب درگیری زندانیان با مهاجمین گردید. مامورین شهرتانی فاشه هائی را که در زیر اینفورم بسته بودند باز کرده و بجان زندانیان افتادند. بعد بانسین ها نیز یار افتاد. ما برای حفظ جان خود ناچار به مقابله شدیم. در حین لحظه زندان تبدیل به میدان زد و خورد خونین شد. نسیاحت زد و خورد ادامه داشت. عد گیری زخمی شدند. از جمله مجروحان موسی محمد نژاد و سید جلیل سید احمدیان و علی صفائی (برادر سید دلیل صفائی شهید) بودند. سرانجام پلیسها عقب نشستند. در این برخورد خونین اعضای سازمان های چریکی و همکاری نشان نقش سازمانی داشتند و با جرات کامل از حیثیت خبیث انقلابی دفاع کردند. در حین زد و خورد شمارها و سرورده های انقلابی خوانده شدند. پس از شکست و عقب نشینی مهاجمین مدتی طولانی سرود خوانده شد.

بسیاری همه آشکار بود که پلیس پاسانی دست از سر زندان نمیگذرد. بزودی زندان ملوث از نیروهای مسلح شد. یک گردان نیروی ویژه هواپرسد و گارد شهریانی شیراز بند سیاسی را محاصره کردند. ما آماده برخورد مسرک و زنده گسی شدیم. ظرفهای آب نخیره شد. بسری مقابله با گاز اشک آورچاره اندیشی شد. در های ورودی بند در سه نقطه مسدود گردید. بزودی آب بروی ما پاشیده شد. پلیس که اوضاع را این گونه ندید و برایت مسلم شد که جز با کشتار زندانیان نمیتواند بر آنها مسلط شود برای مذاکره جلو آمد. نتیجه مذاکره قبول خروج نیروهای مهاجم از زندان و پذیرش اعاده وضع عادی در بند از جانب رفقای ما بود.

طبرقین بتعهدات خود عمل کردند. شب برای صرف غذا با احتیاط به غذا اخوری زندان رفتیم. تا ساعت دو بعد از ظهر روز بعد (۲۷ فروردین) اوضاع ظاهراً عادی بود ولی بیم تهاجم مبرفت. عد ما از رفقا که سخت بیمار بودند و تحت پرهیزه افی قرار دارند در بند ماندند. در ساعت دو بعد از ظهر عد ه گیری گویاند و مجبزه به گاه خود و بسا توده های ضد اشتغال پفرمانه های یک سرگرد بد اخسل بنسید ریختند و بیماران را بد شدت تک زده بسلولهای انفرادی بردند.

کسانی که به تهاجوری رفته بودند در فاصله سالن غذا اخوری و بند سیاسی به محاصره عد ها گویاند وی پلیس که عد ما از آنها شناسانده از تهرمان آمده بود در آمدند. عد مهاجمین در این روز بین ۵ هزار روپایه (۱۵۰۰) تن بود. رفقای ما اطلاع کردند که هرگونه جلسه به زندانیان به برخورد مرگ و زندگی میکشد. نماینده دادستان نظامی شیراز در اینجا حضور داشت. در اینجا برخوردی روی نداد ولی گلبه زندانیان بسلولهای

انفرادی برده تبدیل گردید و بسیاری شخصی من با کتاب و دارو و غیره از جانب عد ها در زندان ساعات سه بعد از ظهر نماز و سخنان امرا مسکند و جشنی بسیر و ساجار باز دارند. عد به مسکند در سته حسی سیاسی و در سته بافتنات در سته ساعات دو نیم بعد از ظهر در زمان مارا ساماسی موسی محمد نژاد، محمد آر جمعه علی مسکری و جواد علی رباعی، عزیز مسکند و سید جلیل سید احمدیان، علی محمد شهید، امین علی غایب، حسین سرخسز، حسین شیخ ناخرانی، رضا شهید، پرویز حبیبخاندر، احمد محیی ربانی، سردار سعید شهید (شهید) بخیران محرم، از چند آزاده و بانفردان عا م معروفه به انتشار برده. در اینجا این رفقا را چشم و دست و پا بسته در تالاده انبار و سردانه محبوس ساختند.

اعتصاب غذا ادامه یافت. در روز غذا سه نوبت در سلول عا برای نواله باز شدند. هماران بدو یزشت و در او مانده بودند. در وقتائی که بزخم معده دچار بودند خونریزی مسکند. عد تن از رفقا در سلولها بسوی مسرک بیتر می رفتند.

در روز سی و یکم فروردین رئیس زندان امهرا گارد شهریانی بزندان داخل شده بنای فحاشی را گذاشت. ساعت هشت بعد از ظهر تیربب زندانیان را از سلولها خارج کرده و چشم و دست آنها را بستند و به کیمه مشترک ساوا، و شهریانی که بزوت زندان است بردند. در طی راه مامورین گارد با حرکات گارته رفقا را می زدند. در کیمه بساطت شکجه رسمی یعنی "تلان" شون الکتریکی باز کرده شیره آبدار و انواع مایعات را بزور در دهان اعتصاب کنندگان می ریختند. عد ما را نیز الماسه کردند. باین ترتیب اعتصاب عد ای زندانیان را در کیمه

شکفته. دادستان شناسی شیراز شخصاً برای جنایات نظارت میکرد.

سیزده تن رفقا را بلافاصله پس از جدا کردن از دیگران به کیمه مشترک برده در آنجا بد شدت شکجه کرده بودند. آنها بطریق فشار شد بد اعتصاب عد ای خود را ادامه دادند و روزهای بیایی مورد شکجه و عذاب قرار گرفتند. در این میان وضع عد ما از آنها بد شدت وخیم بود. عزیز سرورده و پیرویز جهاننخست بر اثر خونریزی بیایی در مسرک قرار داشتند. موسی محمد نژاد را هر شب به کیمه برده شکجه میکردند.

در روز دهم اردیبهشت عد ای از این رفقا را به بند باز گردانند ولی از عد های دیگر خبری در دست نبود. چنان عد روز معلوم شد که این رفقا را به تهران و زندان اوین برده و در آنجا شکجه و انتقامجویی ابعاد وحشتناکی پیدا کرده بود. همی رفقا از زندگی این عد قطع امید کرده اند. اینها را نیمه جان بسلولهای انفرادی شیراز باز گردانند. باز شکجه و تک و عد در سترسی به دارو و یزشت ادامه یافت.

ماموران سازمان امنیت و شهریانی باین وسیله میخواهند اراده زندانیان سیاسی را در هم شکنند. آنها آشکارا قصد جان ما را داشتند. باین ترتیب اسرائی که توسط مقام نظامی اقم اندام نشده اند باید در اسارتگاه بدست دشمنان جان بسپارند.

اکنون حدود دو ماه است که عد کثیری از رفقای ما در سلول انفرادی بس میزند. در اینجا حتی از جیره عادی زندان خبری نیست. دارو و یزشت ما تنها وجود ندارد. بخانواده ها ملاقات نمیدهند. تمام مسائل زندگی و شرافت و بهداشت و جوانی و نوشتن از مساسلب شده است. هر چند آه یار مسرک جانی زندان مسرک خبرمائی عد تن از رفقا ما را

همراه ما ماموران فاسد گردیدند. در حین قصد شکنی بودن رفتار ما را میزند. عد مرجعی بول شکایت رسیدنی و مجوز ندارد. مرکز جهانی دشمنان جلای و خونریزی مند عد ساوا، شیراز رفقای مبرمان مارا خرگو. آزمانشاه شکجه خون برده است.

ما در اینجا شام عد بر تدریجی عد تن از رفقا

جود هستند. عزیز میروند در شرف مسرک است. خفتن تن در مسرک در روز در سلول عا خفی استوار

مکنند. باین جنایات رژیم خونخوار عد تازه ای

در راه جنایات عد انسانی سروده اند. شمار جنایات

مرکز امیرالین این است: زندان را بخشگاه سلسلی

عد بر کشته ای. اکنون در عد زندان این رژیم جنایات

انتقار حتم مسکند. بزود عد زندانها بیم

در کیمه بار خونین مسرود. امروز خبر تازه ای از

زندانیان مرکز و شهریانیها به مس میروند.

زندانیان سیاسی ایران حر دارند از مجامع

بیس المللی جنایات بد جنایات عد در پایان در ان

باین جنایات آشکار باید برگردد. رژیم ایران رو جنایات

اسرائیل عا نازی را سفید کرده و تحت نظر مستشاران

جانی امریکائی فرزندان خلی ما را سلاخی میکنند.

اگر آزاد بخوانها جنایات امروز قربان افترا خود را

بر عد این جنایات بلند کنند. فردا در پیشگاه تاریخ

و نزد مردم سفید به ایران شومند خواهند بود. ما

خواستار اعزام عیانهای بازرسی بین المللی و افتکاری

وسیع از رژیم جانی ایران هستیم. ما در راه رهائی

خلقیای خود پیگیر کرده ایم و با مسرت در نس که توکر

قدرتهای امپریالیستی است بر آمده ایم. ما در

اینجا در پشت میله های زندان برای خلق و جنبش

انقلابی مسلحانه وفادار خواهیم ماند و لیون همه این

جنایات بمبارزه خونین در راه رهائی و صلحان ادامه

خواهیم داد.

اکنون برادران جریان ما در شهر و کوه بر عد دشمن

میجنگند. در این دو سال بیش از دو سته نفر از آگاه ترین

عناصر انقلابی بشهادت رسیدند. در این مدت

اعتصابهای کارگری، اعتراضهای دانشجویی و هر حرکت

جمعی مردم با آتش رژیم رو بر شده ولی عد آنتز

انقلاب بیشتر زبانه میکشد. در مذاکره ما جنبش

انقلابی مسلحانه طفقار و خلیس و جنبش انقلابی

خلق فلسطینی، جنبش رهائی بختر خلق بلوچ و دشادوش

جنبش انقلابی مسلحانه ایران به پیتر میروند. راه ما

با خون آغاز شده و با انواع خروشانی از سراسر

به پیتر میروند. ما اعلان داریم که در این

پیکار سر حق مردم آزاده جهان و

خلقههای ما را تنها نخواهند گذاشت.

زندگان شیراز

خبردار ۱۳۵۲

دلیوری بیرون جزئی

در شماره قبلی خبر اعمال فشار و شکجه به مبارز

دلیور و مقاوم بیرون جزئی را اعلام کردیم و در این

شماره هم نامه زندانیان شماره ۱ فصر این موضوع را تأکید

کرده است. خبر اخیر که رسیده حاکی است که این

مبارز را پس از جدا کردن از بقیه زندانیان و منتقل کردن

بزندان انفرادی موسوم به "کاور انسی" که در قسمت

متروی از محوطه زندان قرار داده شده است به

شکجه او پرداختند. از جمله دشمنان امروز

عد: عد سعادت ابرو از ای با آبروان میکند. روحیه

جزئی در تمام ایعد. سسار عالی و غیر قابل توصیف

بوده است. در حین سبب دشمنان برای تصحیح روحیه

و غیر زندانیان که تحریک شکاکه جزئی از ما را

آبروان بود. آنها را به سلول او مسرود می یا حده و

روحیه عالی جزئی رو بر میشوند. اس برخورد در روحیه

زندانیان بر تحریک مامورانی است و موجب گردید

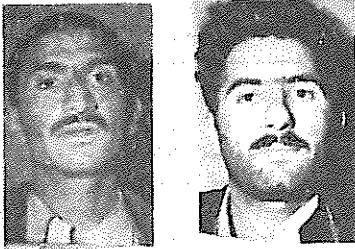
که آنها بسبب خود در تمام دشمنان ما میباشند

در جانیته شناخته شدند.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

توطئه مقامات جنایتکار پلیس در زندان قصر و پاسخ دندان شکن دلاوران اسپیر

نام رفقای زندانی در نامه چهار زندان قصر



محمد فرزندی صدیق

عزیز مصطفی زاده

شهادت دو انقلابی دیگر کرد

طبق خبر روزنامه های ایران، در سحرگاه ۱۰ آبانماه دوشنبه از انقلابیون شیرازان گردیدند و با دست زدن جنایتکار شاه بار دیگر خون فرزندان برومند خلق آشفته شد. ما در شماره ششم ضمن انتشار اعلامیه حزب دمکرات کردستان ایران خبر شهادت ملاقات روری و زخمی و بازداشت شدن چند تن از زندگان کرد را توسط ساواک در دوم فروردین ۶۰۲ با اطلاع رساندیم. رژیم در طول اینمدت به شکنجه این مبارزان مشغول بوده و محفصانه آنها را محاکمه کرده و بالاخره بدون اطلاع حکم اعدام را در بارشان اجرا کرده است.

امروز رژیم خونخوار شاه دستترا تا برفق در خون مردم مانده در صفحه دوم

اخبار دستگیریها، محکومیتها و زندانها

در ۱۵ خرداد ۶۰ رضا پورجعفری نوکنده دانشجوی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با اتهام همکاری با مجاهدین بازداشت و تحت شکنجه قرار میگردد. ده روز بعد یعنی در ۲۵ خرداد همسر ایشان مهتری فاضل پور آموزگار درستان اعتصاب نیز بازداشت میشود. از سرنوشت این زوج هیچگونه اطلاعی در دست نیست.

میترا بلبل صفت که چندی پیش دستگیر شده بود با اتهام داشتن چند اعلامیه بیگانه زندان محکوم شده است. رژیم اعلام کرده که عده ای از هنرمندان، فیلم سازان و نویسندگان معروف و محبوب کشور از جمله: رضا علامزاده و عباسعلی سماکار فیلمسازان، رحمت اله حشیدی مخبر - کرامت دانشیان کارمند - شکوه فرهنگ، مریم اتحادیه و مرتضی سیاهچهره روزنامه نگار - اقیور بیاحق فیلمسازان - ابراهیم فرزند، و فرهاد قیصری کارمند - منوچهر مقدم سلیمی و خسرو گسرخ نویسنده بازداشت شده اند. از فرار معلوم این مبارزان پیر از گذشته از بی، دوره شکنجه در انتظار محاکمه هستند. رژیم اعلام کرده اینان قصد داشتهاند شاه را بغل برسانند و فرخ و ولیعهد را برای آزادی زندانیان سیاسی برابند. با این اتهام سنگین خطر مرگ جان این مبارزان را تهدید میکند.

اخیرا دستگیری عاظم هاشمی قویانی، محمد اعظامی، فریده و هایده لاشانی از طرف مقامات پلیس اعلام شده است. طبق اعلام رسیده رفقای که از زندان ساری بصورت بقیه در صفحه دوم

واقع شده تیماراه زندان شماره ۴ قصر

و جنبش انقلابی مسلحانه دفاع میکنند و در برابر قدری های پلیس فاسد ایستادگی میکنند.

در روز سه شنبه پنجم تیرماه بر سر مسائل جاری بیسی سنخکویان ما با رئیس زندان برخوردی بوجود آمد. رئیس زندان پور کمیلیان (که رئیس زندان شماره سه نیز هست) یکی از سنخکویان ما را در زیر عهنت بازداشت کرد و برای سرکوبی زندان از کار انتظامی قصر کمک گرفت. فاصله چند دقیقه حدود یکصد تن مامور پلیس زیر فرماندهی افسران خود از جمله سروان حیاتی افسر انتظامی زندان قصر بزندان ریختند. رفقای ما در راهرو با پلیسهای مهاجم درگیر شدند. زد و خورد با تمام وسائل ممکن حدود نیم ساعت ادامه یافت.

بیش از ده تن از رفقای ما و همسین حدود مامور پلیس از جمله خود فرمانده مهاجمین سروان حیاتی مجسوم شدند. سرانجام پلیس کوبه و راهی زندان را اشغال کرد ولی رفقای ما در حیاط سنگر گرفتند. اندکی بعد انومیل های نیروی با کارهای شهربانی و نقاب و ماسک و ابزار جنگ خیابانی زندان شماره چهار را محاصره کردند. ولی ما نیز تنها نبودیم. از همان لحظات نخست رفقای زندان شماره سگه دست بشویش و اعتراض زدند. روسای زندان ها و معاون شهربانی کل مرتب تصویر برای اداره عملیات بزدان آمدند.

رفقا در هر دو زندان با غمی آهنین در برابر پلیس ایستاده و حاضر نبودند قدمی به عقب بگذارند. پشت مانده در صفحه دوم

چگونگی فرار اشرف دهقانی

در شماره پیش، متن کامل اعلامیه چریکهای فدائی خلق در باره فرار رفیق اشرف دهقانی را درج نمودیم. اینک نکته هایی در باره این فرار موفقیت آمیز انقلابی بنظر خوانندگان میرسد:

رفیق اشرف دهقانی تا فروردین ماه ۶۰۲ با رفقا شهین توگسی، رفیه (فزانک) دانشگری، عاطفه جعفری، سرسین فضیلت کلام از فدائیان خلق و رفیق مبارز ناهید جلال زاده از رفقای مجاهدین خلق در زندان زنان قصر عمزنجیر بود. نقشه فرار برای عده بیشتری تهیه شده بود اما چند مرحله ای بود. رفیق جلال زاده که به سه سال زندان محکوم شده

مانده در صفحه دوم

مدتی پیش از این وانعمه در روز دوازدهم خرداد در زندان شماره ۳ که حبس زندان شماره ۴ است برخوردی با پلیس رخ داد. در این روز حشید نااهری پور از رفقای فدائوسی با رئیس زندان سرگرد پور کمیلیان برخورد پیدا کرد. رئیس زندان و دیگر افسران و ماموران بر سر طاهری پور ریخته، دیگر رفقا خبر نداده بلافاصله بسوی دفتر زندان و الحان نگهبانی هجوم بردند. کار انتظامی زندان قصر بگه مامورین زندان آمد. بیم برخورد خونین میرفت ولی برخورد تا مرحله آخر نرسید. همان روز حشید نااهری پور - عباس شیبانی و بیژن حشیدی را به زندان مجرد بردند. این سه نفر در آنجا اعتصاب غذا کردند و بقیه رفقا دست باغترا بزدند. بالاخره پیر از سه روز پلیس عقب نشینی کرد.

در زندان شماره سه رفقا با جدیت و استواری از حقوق صغی و آرمان ها و حیثیت سیاسی خود دفاع میکنند و اجازه نمیدهند که پلیسها و شهربانی بر زندان مسلط شود. در زندان شماره چهار نزدیک به صد و هشتاد نفر از رفقای که در رابطه با جنبش انقلابی مسلحانه، چریکهای فدائی خلق، مجاهدین خلق و دیگر جریانهای سیاسی - نظامی و جریانهای سیاسی طرفدار جنبش بزدان افتاد مانده، بسر نمیروند. همه ی زندان (بجز سه چهارتن عنصر غیر سیاسی) در یله کون زندگی میکنند. از اینجا نیز رفقای اسپیر با استواری از آرمان های خلق

تظاهرات خانواده زندانیان سیاسی

پیر از واقعه زندان قصر در تیرماه، خانواده های زندانیان سیاسی با اقدامات متعددی دست میزنند که از جمله این اقدامات تظاهرات آنها در میدانها و خیابانهای معروف، پایتخت حائز اهمیت بسیار است. جریان این تظاهرات باین شرح بوده است:

در صبح روز چهارم مرداد ۶۰۲ عده ای از زندان خانواده های زندانیان سیاسی که بیش از ۵۰ نفر بودند در جلوی مجلس شورای جمع میشوند. آنها از جهت رعایت اصول کار مخفی نمکی جادو بسر کرده بودند. در جلوی مجلس سخن تظاهرات عرضحالی را برای کمسیون عراق مجلس مفرستند. آنها با اعمال وحشیانه در ضمن پلیس نسبت به فرزندان زندانشان و از بس سرد تمام حقوق قانونی آنها انترتیا میکردند. مانده در صفحه دوم